

# مصر در آستانه انقلاب

کمیته عالی اجرایی اتحادیه سوسیالیست عرب را نیز بهنده داشت پس از مرگ ناصر و در ادامه راه او بود که ملت محروم مصر جهت تقویت انقلاب و گسترش مبارزات خود بر علیه صهیونیزم غاصب سادات را که از نزدیکترین دوستان ناصر و همگام و همراه او بود بعنوان رئیس جمهور برگزیدند و با انتخاباتی که بهمین منظور برگزار گردید سادات با ۹۰٪ آراء در تاریخ ۱۶ اکتبر ۱۹۷۰ یعنی یکماه بعد از مرگ ناصر در حالیکه بشدت در سوگ ناصر می گریست رسماً رئیس جمهور مصر شد. او که یک منافق دو چهره بود، ظاهراً برای وحدت اعراب و مبارزه با صهیونیزم و امپریالیزم شعار میداد و در این راه خود را پیشتاز و تنها مبارز قلمداد مینمود، بهمین دلیل در اولین سال ریاست جمهوریش بظاهر قدمهایی جهت وحدت اعراب و نابودی اسرائیل برداشت، هر چند که این حرکت نیز بیشتر بخاطر فشار دولتهای لیبی و سوریه بود که به آرمان ناصر وفادار مانده و اهداف او را

در جمع افسران آزاد ارتش مصر بود و بدین ترتیب زندگی سادات در جمع جامعه افسران آزاد که بک گروه ۱۲ نفری بودند و چند هدف عمده و در رأس آن مبارزه علیه رژیم ارتجاعی فاروق را تعقیب میکردند شکل گرفت. او در آن زمان بعنوان یک افسر انقلابی و پشتیبان ناصر و یکی از تئوریسینهای او

بعد از مرگ جمال عبدالناصر مصر انقلابی وارد مرحله دیگری شد. ناصر عملاً نتوانسته بود تمام خواسته ها و اهداف خویش را در طول عمرش تحقق دهد لذا زمینه های مناسبی برای بروز سازش با امپریالیستها وجود داشت، پس از مرگ ناصر بود که آن بارقه امیدی که با انقلاب ۲۳ ژوئیه ۱۹۵۲ در دل توده های مصر جوانه زده بود نه تنها شکوفا نشد بلکه شکفته پرپر شده و به یاس مبدل گشت، چرا که پس از مرگ ناصر کسی جانشین او شد که قدم به قدم مصر را در جهت وابستگی به آمریکا پیش برد و با هر قدمیکه برمیداشت از اهداف ناصر و خواسته های مردم محروم و فقرزده مصر دور میگشت و متقابلاً و به میزان دور شدن از مردم بدلیل ترس از انزوا و سقوط هر چه بیشتر بدامن غرب و قدرتهای باطل دروغنا...

سادات در کنار ناصر



سادات که بود؟ محمد انور السادات در سال ۱۹۲۸ میلادی پس از فارغ التحصیل شدن از مدرسه نظام بخمدت در ارتش مشغول شد. در همین اوان بود که وی را بجرم کمک بفرار یک ژنرال مصری که از دست انگلیسی ها گریخته بود دستگیر و به دو سال زندان، در زندان انگلیس ها محکوم کردند، بعد از آزادی از زندان و بعد از گذشت مدتی بار دیگر او را به اتهام ترور «امین عثمان» وزیر دارایی وقت دستگیر

جهت وحدت اعراب پی گیری می نمودند، بر همین اساس در سال ۱۹۷۱ مقدمات تشکیل فدراسیون جماهیر عرب متشکل از مصر و سوریه و لیبی در «بن غازی» ریخته شد که اهداف اساسی این فدراسیون عبارت از ایجاد جامعه سوسیالیست عرب، حمایت از جنبشهای آزادیخواه در جهان عرب، ایجاد یک فرماندهی مشترک نظامی و فروتنانین اغتشاشات داخلی بود. وی انسجام و وحدت بیشتر این جامعه، کنفرانس سیران عالی آن در تاریخ ۱۸ اوت ۱۹۷۱ در دمشق آغاز شد و در ۲۵ اوت قانون اساسی آن به تصویب اعضا رسید. اهداف قانون اساسی فدراسیون که

تمامی رهبران سیاسی خود را

محسوب میشد پس از بقرت رسیدن افسران آزاد سادات به سمت سخنگوی دولت جدید انجام داد. البته می کرد تا اینکه پس از برگزاری انتخابات عمومی مصر و انتخاب شدن ناصر بعنوان رئیس جمهور و بعد از معاونت محی الدین در سال ۱۹۶۹-۷۰ به عنوان معاون ناصر از جانب او انتخاب گردید. در آن هنگام سادات علاوه بر معاونت ریاست جمهوری، ریاست

کردند و به زندان افکندند و بعد از آزادی مجدد بالاخره به اتهام فروش اموال دولتی از ارتش اخراج شد.

سادات از سال ۱۹۵۰ که جمال عبدالناصر رسماً به ریاست تشکیلات اجرایی افسران آزاد انتخاب شد تا کودتای افسران آزاد در ۲۳ ژوئیه که منجر به تغییر حکومت و بدست گرفتن قدرت توسط شورای انقلاب مصر گردید همراه ناصر و

زردیک ناصر را که جزو اتحادیه افسران آزاد بودند را تحمل نماید. به همین دلیل بایک کودتای آرام در سال ۱۹۷۱ تمامی رقبای سیاسی خود که شش وزیر کابینه را هم شامل میشد دستگیر کرده و به زندان انداخت و دستور محاکمه آنها را صادر نمود.

### سادات و جنگ ۱۹۷۳

سادات بر اساس قدرت طلبی و برای بدست گرفتن پستهای سیاسی و تثبیت هر چه بیشتر خود در مارس ۱۹۷۳ کرسی نخست وزیر را تیز به خود اختصاص داده داد و بدین صورت یکه تاز میدان گردید.  
با گذشت سه سال از به قدرت رسیدن سادات

**\* سادات در یکی از مصاحبه هایش اعلام نمود که حاضر است برای انجام صلح به هر نقطه دنیا حتی اسرائیل برود.**



هنوز چهره واقعی او نمودار نشده بود و او تا آن زمان نتوانسته بود علیرغم تمام سازشها و محافظه کارهای خود را ضد صهیونیست و ضد امپریالیست جازند.

سادات که در پی کسب وجهه سیاسی بود با حس انتقام جویی در اعراب جنگ اکتبر ۱۹۷۳ را با اسرائیل آغاز نمود. چرا که شکست سال ۱۹۶۷ هنوز از یاد اعراب نرفته بود و حملات پی در پی

امپریالیزم و در جهت وحدت اعراب انجام داده بود با تمام نیرو و به کمک دستگاههای تبلیغاتی از بین برد.

سادات در ادامه حرکتهايش در پی تحکیم موقعیت خود بعنوان تنها چهره برجسته و رهبر بلا منازع برآمد و طبیعی بود که در این مسیر نمی توانست وجود چهره ها و شخصیت های دیگری چون محمد فوزی وزیر جنگ و دیگر یاران

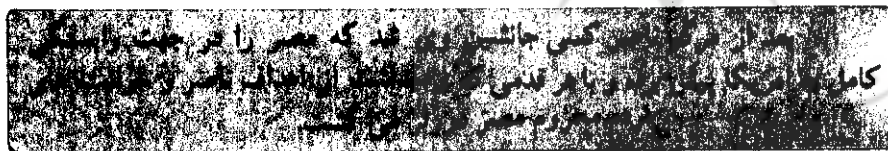
ظاهری بسیار مترقی داشت و هرگز جنبه عملی بخود نگرفت در محکومیت هرگونه تلاشی به منظور از بین بردن مقاومت فلسطین، آزادی سرزمینهای اشغالی عرب، رد هرگونه مذاکره با رهبران صهیونیزم و بررسی جوانب نبردهای آینده اعراب با اسرائیل و حل بحران خاورمیانه خلاصه میشد.

در ۳ اوت ۱۹۷۱ سادات که خود را طرفدار بسیار سرسخت این گونه کفرانگسها و فدراسیونها نشان داده بود به ریاست فدراسیون انتخاب شد ولی این فدراسیون هم بعد از چند ماه چون دیگر اقدامات اعراب جهت وحدت از هم پاشید. چرا که از یکطرف سادات که اوایل هرگونه مذاکره را از جانب اسرائیل رد میکرد، به اقدامات سازمان ملل جهت ایجاد صلح در منطقه امیدوار شده و در زمینه مبارزه با اسرائیل محافظه کاری از خود نشان داد و از طرف دیگر اخراج مستشاران شوروی از مصر در ژوئیه ۱۹۷۱ توسط سادات باعث بروز اختلافاتی میان سوریه و مصر شد و در نتیجه فدراسیون هیچگاه از

عینیتی شایسته خود برخوردار نگردید و بدون هیچگونه اثر و نتیجه ای از هم پاشیده و متلاشی گشت البته لازم به تذکر است که بعد از جنگ ۷۳ درجه شرق (عراق و سوریه) نیز قدمهایی در جهت ایجاد وحدت برداشته شد که آنهم موثر واقع نگشت.

و بدین ترتیب با سازشهای سادات و محافظه کاریش در قبال دشمن مشترک اعراب هر چه را که ناصر در طول ۲۰ سال برای مبارزه با

جهاد



اسرائیل به مواضع مصر همچنان ادامه داشت لذا زمینه مناسب برای جنگ آماده بود.

در جریان جنگ نیروهای مصری موفق شدند که از کانال سوئز عبور کنند. ولی با ادامه جنگ سادات به سازشی دیگر تن داده و قرار داد آتش بس جنگ را با اسرائیل امضاء نمود. و بدین ترتیب به خیانتهايش شکل دیگری بخشید. بجزرات میتوان گفت که جنگ اکتبر نه تنها لطمه ای به حیثیت اسرائیل در منطقه وارد نکرد. بلکه در طول جنگ کشور مصر بدلیل نیازمندیش به تسلیحات و با خریدن تسلیحات مورد نیازش از آمریکا و کشورهای اروپایی در جهت وابسته نمودن مصر بر آمریکا سیر نمود کشور مصر که در زمان ناصر تاحدی متمایل به بلوک شرق بود با گذشت زمان و تدریجاً به یکی از وابستگان به آمریکا تبدیل شد و حتی اخراج بقیه در صفحه ۵۳



پایمردی نموده و ایستادگی کردند؟ چه کسانی بار مشکلات عظیم اقتصادی را بدوش می کشند؟

و... چه کسانی زودتر از همه شهرهای جنوب و غرب را رها کردند؟ در کدام محلات تهران در جریان انقلاب هیچ خبری نبود؟ چه کسانی از نرفتن ارز به خارج کشور ناراحتند؟ چه کسانی از نبودن موز و آناناس و... ناراضی اند؟ و این جان کلام است: ستون دین و مایه استواری کشور و رزمندگان و پیکارگران، توده های محروم مردمند، ولی «خواص» از نظر مولا علی (ع) دارای این خصلتها می باشند: ۱- در راحتی و آسایش برای دولت بسیار گرانبار بوده و بیشترین توقع و خواسته های رفاهی و مصرفی را دارند. ۲- در هنگام گرفتاری و مشکلات

**\* امام علی (ع) «مردم دوستی و اعتماد به توده های مستضعف را آنچنان مهم می داند که از مالک می خواهد حتی به سعایت سخن چنان توجهی نموده و عیوب احتمالی مردم را پوشاند.»**

کمترین یاری را می نمایند ۳- بیش از همه از اجرای عدالت ناراضی اند، زیرا منافع آنان با اجرای عدالت بخاطر خواهد افتاد. ۴- در هنگام خواهش بیشترین اصرار و پافشاری را رواداشته و بهر قیمتی می خواهند به اهداف خود برسند. ۵- بیزتر از همه مردم عذرها را پذیرفته و پیوسته خود را طلبکار می دانند، ۶- در سختی های روزگار، مشکلات گوناگون اجتماع از همه کم طاقت تر بوده و زودتر از همه به آه و فغان می افتند. ای مالک! تو بعنوان نمونه یک حاکم سلامی باید تنها و تنها در اندیشه توده های مردم وده و باتمام وجود برای آنان تلاش نمایی و باید از قلبیهای زورمند و زرمند هرچه بیشتر فاصله گیری. امام علی (ع) مردم دوستی و اعتماد به وده های مستضعف را آنچنان مهم می داند که از مالک می خواهد حتی به سعایت سخن چنان وجهی نموده و عیوب احتمالی مردم را پوشاند، حضرت در این مورد می فرماید:

اید دور دورترین و زشت ترین آنها، نزد تو بیب جوترین آنها باشد زیرا در مردم عیوبی ست که سزاوارترین کس برای پوشاندن ها، والی است، پس در عیوب پنهان آنان تبحکاری منما، زیرا تو باید ظاهر را پاک نائی و در مورد باطن مسائل، خداوند حکم بقیه در صفحه ۶۳

## مصدر آستانه .....

سران دو کشور را به امریکا دعوت نمود تا در زیر سایه ارباب بزرگ به حل و فصل اختلافات بپردازند. این حرکت در حالی صورت می گرفت که سیاست سرکوب و خفقان در مصر به نهایت رسیده و بسیاری از آزادیخواهان مصری در زندانهای سادات بسر می بردند.

کارتر که دریافت بود شکست این مذاکرات بزرگترین لطمه را به حیثیت سیاسی او میزند، بیشترین تلاش خود را برای صلح به کار بست و مذاکرات سه جانبه امریکا-اسرائیل-مصر و یا کارتر-سادات-بگین شروع شد و پس از بحثهای چندی به نتیجه نشست و قرارداد تنگین کمپ دیوید بسته شد، این قرارداد که از یک مقدمه و ۹ ماده تشکیل میشد ابتدا بصورت ابتدا بصورت موافقت نامه صحرای سینا عنوان گردید این قرارداد شامل سه بخش عمده، توافق ها و تعهدات میان اسرائیل و مصر، تعهدات و وعده های اقتصادی و نظامی و سیاسی از سوی امریکا و قراردادهای فی مابین امریکا و اسرائیل می باشد.

نکات مهم قرارداد کمپ دیوید عبارت است از:

«صلح مستلزم احترام به حاکمیت، تمامیت اراضی و استقلال سیاسی تمام کشورهای منطقه و حق زیستن آنها در صلح و آرامش در داخل مرزهای مطمئن و شناخته شده و آزاد از تهدید یا اعمال زور است»

و چهار چوب صلح در بندهای زیر خلاصه میشود.

الف: ساحل غربی رود اردن و نوار غزه: ۱- مصر و اسرائیل و اردن و نمایندگان مردم فلسطین باید در مذاکرات مربوط به حل سه ساله فلسطین در تمام جنبه های آن شرکت کنند برای نیل به این هدف مذاکرات مربوط به کرانه غربی و غزه باید در سه مرحله انجام گیرد.

و سه مرحله آن شامل، یک دوره انتقالی، تشکیل دولت خودمختار منتخب در ساحل غربی رود اردن و نوار غزه، و انعقاد معاهده صلح بین اردن و اسرائیل تا پایان دوره انتقالی است.

۲- تشکیل دو کمیته یکی برای رسیدگی به وضع نهایی کرانه غربی و غزه و دیگری از نمایندگان اسرائیل- اردن و نوار غزه در رابطه با عهدنامه صلح.

و درباره شرکت فلسطینی ها در تعیین آینده خود؟ در قرارداد کمپ دیوید چنین آمده است ۱-

بقیه در صفحه ۶۵

مستشاران نظامی و غیر نظامی روسی گامی دیگر در جهت وابستگی هرچه بیشتر به امریکا بود.

اری و بدین صورت و در جریان جنگ اکثر بود که پرده ریا و نفاق آرام آرام کنار رفته و چهره واقعی فرعون مصر نمایان شد. و مردم محروم مصر به خیانتهای این بازیچه و نوکر سرسپرد صهیونیزم و امپریالیزم پی بردند. پس از جنگ سادات در پی ایجاد خفقان در کشورش بود کوچکترین انتقاد ساده و حتی اصولی را پذیران بود هر کس کوچکترین ندای مخالفی سر میداد و یا لب به اعتراض می گشود بلا درنگ سراز گوشه زندان و یا تبعیدگاه در می آورد. پس از امضای قرارداد آتش بس با اسرائیل ژنرال شاذلی رئیس ستاد ارتش مصر بخاطر مخالفت با این قرارداد توسط سادات از کار برکنار شده و محمد حسنین هیکل از سردبیری روزنامه الاهرام بخاطر نوشتن مقاله ای در مخالفت با سیاستهای سادات عزل گردید.

سادات به اسرائیل سفر می کند

سادات این خانن به آرمانهای خلقهای آزادیخواه و استقلال طلب در مسیر سرسپردگی تابد آنجا پیش رفت که در صدد صلح و برسمیت شناخت دشمن دیرینه اسلام و اعراب یعنی رژیم غاصب صهیونیستی برآمد. وی پس از مدتی چون دید که همگام با سایر کشورهای مرتجع منطقه قادر به صلح با اسرائیل نیست خود نقش پیشاهنگی و پیشتازی صلح را بعهده گرفت و حتی اعلام نمود که حاضر است برای انجام صلح به هر نقطه دنیا حتی اسرائیل برود. مقامات صهیونیستی که منتظر بودند فرصت را غنیمت شمرده و از سادات دعوت کردند تا به اسرائیل رفته و در پارلمان به سخنرانی بپردازد، در پی این دعوت بود که سادات به سرزمین اشغال شده فلسطین سفر نمود و مذاکرات دوجانبه میان مصر و اسرائیل آغاز گشت سپس برای ادامه مذاکرات سادات از مقامات اسرائیلی دعوت نمود تا با حضور خویش در اسکندریه در جهت ایجاد صلحی پایدار؟ گام بردارند، ولی چون مذاکرات اسکندریه به ثمر نرسید و اختلافات میرفت به جنگی میان دو کشور تبدیل شود امریکا این ارباب بزرگ قدم به صحنه گذارد، امریکا که میدانست شروع جنگ در آن مقطع به منافع او در منطقه آسیب وارد میسازد عدم دخالت و سکوت را جایز شمرده و کارتر

۱۶ سال) یعنی در مجموع ۱۶ سال است که انجام میشود و در ضمن همین دوره های بنون سازماندهی که از نظر پیکار اخیراً بر سر شوق و شور آمده اند؛ توانسته اند در این مدت شاه را بیرون کرده و آمریکا را رسوا نمایند و با دست خالی بنون سازماندهی های انجمنی مورد نظر پیکاریها سه سال است که با تمام قدرتهای شرق و غرب می جنگند و همچنان هم مقاوم و استوار ایستاده اند و عجب آن است که در طول انقلاب همین پیکاریها و سایر رفقاییشان اظهار میداشتند که تظاهرات میلیونی مردم و شور و شوق آنان به جانی رفقاییشان اظهار میداشتند که تظاهرات رسید و بهات ضعف تشکیلاتی مردم وعدم وجود پیشتاز انقلابی این شور و شوق به یاس مبدل خواهد شد و تنها با یستی با سازماندهی مسلح توده ها شاه را بیرون کرد و بس و حالا معلوم نیست که کدام توده ها با کدام شور و شوق مبارزاتی متفوق انقلاب کردن هستند که با چشم معمولی نمیتوان آنها را دید و تنها تلسکوپهای سوپر مارکسیستی پیکاریها و همپالگیهایشان قادر بریوت آنهاند. اما نکته ای که در همین قسمت باید متذکر شد آن است که این توده ها بغرض وجود داشتن و مخالف رژیم بودن و علیرغم آنکه نیروهای پیکاری و شبه پیکاری فراوان از شجاعتها و شهامت هایشان داد سخن داده و آنها را «خلق قهرمان» خطاب میکنند چرا اینکه از نظر پیکاریها به سکوت معنی دار مبتلا شده اند؟ اگر این خلق قهرمان اینقدر ترسو است که در اثر سرکوب رژیم سکوت را برگزیده است، پس پیکاریها با کدام نیرو میخواهند به مقاومت ادامه دهند؟ اساساً اگر سرکوب موجب سکوت توده ها میشود پس چرا سرکوب پانزده خرداد و هفده شهریور و اول محرم ۵۷ و روزهایی از این قبیل این خلق قهرمان را وادار به عقب نشینی و سکوت نکرد؟ حقیقت آن است که این جماعات نه مردم را شناخته اند و نه اساساً به نیروی مردم ایمان دارند و تنها بر ناهوهای پیش ساخته ای اعتقاد دارند که حتی اهم در اکثر موارد با «خویشتر فریبی» همراه میباشد

پیکار در بخش بعدی تحلیل خود وظایف پرورشی و فرهنگی در دوره مقاومت عقب نشینی کثرتی از نیروی مردمی در کشور را که بر مسئله تبلیغات و ایجاد و گسترش هرچه بیشتر سازمانهای توده ای انقلابی و هسته هایی که

بتواند متناسب با سطح مبارزات طبقه کارگر و توده های مقاومت آنها را در همه عرصه های پرورشی از مادی و رهبری نماید. اضافه مینماید که: «در شرایطی که شدت بحران کنونی درگیریهای وسیعی را میان انقلاب و ضدانقلاب بسیار محتمل میسازد و این امکان وجود دارد که جامعه با خیزشهای تندی از جانب توده ها روبرو باشد، و از آنجا که ممکن است جنگ داخلی، علیرغم تمایل ما از نقطه نظر زودرس بودن آن، به اعتبار عوامل و زمینه های موجود، آغاز گردد یکی از وظایف کمونیستها، تدارک نظامی و کسب آمادگی لازم برای نبردهای قهرآمیز محتمل در آینده در مقیاس سراسری جامعه میباشد، معنای این تدارک در شرایط کنونی، آمادگی رزمی و تدارکاتی نیروهای سیاسی از لحاظ تشکیلاتی، آموزش نظامی و تشکیل واحدهای رزمی در رابطه با سازمانهای انقلابی است. این به هیچ وجه به معنای دست بردن به سلاح در شرایط حاضر نیست، همچنین تبلیغ شعار فعلی تسلیح توده ها و تشکیل واحدهای رزمی برای توده ها شعاری است زودرس و ناصحیح که به همین دلیل هم جنبه عملی به خود نخواهد گرفت. معنای سیاسی این وظیفه ترویج ایده قیام و مبارزه مسلحانه در میان توده ها و روشن کردن و آماده نمودن ذهن آنها نسبت به وظیفه آینده آنها میباشد.»

فرصت طلبی و پرونی این سازمان مارکسیستی - لنینیستی - مائونیستی زمانی آشکار میشود که این جملات را در کنار حرفهای سابق قرار داده و آنگاه قضاوت نمائیم. برای پی بردن به اوج و رشکستگی این گروهک آمریکائی همینقدر کافی است که سری به اعلامیه ها و تحلیلهای سابق آنها بزنیم و با حتی نگاهی به دیوارهای شهر بیندازیم تا قضیه کاملاً روشن شود. پیکاریها که از اولین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی بر روی دیوارها جملاتی نظیر پیش سوی سازماندهی مسلح توده ها مینوشتند....

.... و مطلب در اینجا ناتمام میماند. ناتمامی مطلب در این قسمت بصورتی بسیار گویا عشق مهدی را به امام و انقلاب و نفرت و خشم او را از کفار و منافقین نشان میدهد. درستی گواه است که چگونه مهدی در راه انجام نهدات و رسالات الهی و شتافتن به وادی شهادت یک لحظه بغور تردید راه نمیداد، یادش گرامی و راهش پررو باد.

مذاکرات چهار طرفی برای تعیین وضع نهایی - ۲. واگذاری موافقت خود به رای نمایندگان منتخب ساکنان کرانه غربی و غزه - ۳. دادن فرصت به نمایندگان برای تعیین طرز حکومت. ۴. اجازه ورود به اشخاصی که در سال ۱۹۹۷ از ساحل غربی و غزه آواره شده اند و همکاری مصر و اسرائیل بمنظور روشهای مورد توافق جهت دست یابی فوری عادلانه و دائمی حل مسأله پناهندگان.

\*\*\*

و بدینگونه بود که قرار داد کمپ دیوید که تنگ ابدی سازش با دشمن قسم خورده اسلام بود، امضاء شد. به صهیونیستها اجازه تاسیس سفارت در قاهره داده شد و پرچم اسرائیل دشمن شماره یک مسلمانان در قلب قاهره به اهتزاز درآمد و این خود نشانه ای بود بر انتقال صهیونیست از سواحل کانال سوئز بداخل کشور.

## این خون سیدالشهدا (ع) است

روز را برای مردم بگوئید و هم مفاسدی مترتب فعل این گروههاست که می خواهند جمهوری را بهم بزنند بنفع آمریکا یا به شوری اینها را تنب بدهید به مردم و هم جنبه اخلاقی را. و من اینجهت را باید عرض کنم کسانیکه به این پست بسیار مهم گماشته شدند خودشان داوطلب آمده اند و وارد در سا روحانیون و خطبا شده اند باید خودشان را تهد کنند و خودشان را با اخلاق اسلامی تط بدهند. عامل به احکام اسلام بشوند.

\* اول باید خودمان را اصلاح کنیم کوشش کنیم انشاءالله خودمان اصلاح بشو! مردم را اصلاح کنیم، بدانند که انمه ما عمرشان را برای ترویج اسلام صرف کرده اند آنها یک سازش می خواستند بکنند همه چه مادی برایشان مهیا بود، لاکن خودشانرا از اسلام کردند و با ستمکاران سازش نکردند.